

**فرهیختگان** قتل، غارت، تجاوز یا هر فعل خطرناک و قبیح دیگری در هرجایی که اتفاق بیفتد مذموم است. دستگاه‌ها و نهادهای گوناگونی هم وجود دارد تا با چنین فعلی برخورد کند و مرتکبان را بسزای عمل زشت‌شان برساند. فرقی هم نمی‌کند کجای این کره خاکی چنین اتفاقی رخ دهد؛ ایران، یک کشور اروپایی، آمریکایی یا هر جای دیگری از دنیا، این افعال برای همه مذموم است و هیچ کسی نه با انتشار آنها خوشحال می‌شود و نه از درگاهی خارج از قانون، رسیدگی به آن را پیگیری می‌کند.

با علم به این موضوع و با یک گشت‌و گذار در فضای مجازی به‌خصوص اینستاگرام، بارها و بارها مشاهده می‌کنیم که عده‌ای با انتشار افعال زشت و قبیح از جمله درگیری‌های خونی، اتفاقات زشت و حتی تجاوز و... به دنبال بالا بردن بازدیدهای صفحات مجازی خود هستند و بارانه تحلیل‌های سطحی نه‌تنها شبهه اقدام خبری توسط آنها از بین می‌رود که نیت ابتدایی آنها را نیز هویدا می‌کند. اما سواى این علش دیده‌شدن و افزایش دنبال کنندگان به هر نحوی، برخی صفحات مجازی که همین ابتدای می‌توان مثالی از آنها را ذکر کرد و به عنوان نمونه از صفحه مسیح علی‌نژاد نام برد، سواى دیده‌شدن با انتشار این نوع افعال و سناریوسازی‌های ساده لوحانه، درصدد سیاه‌نمایی علیه جریان حاکم و حاکمیت کشوری (مشخصا ایران) هستند تا هم به مقاصد شخصی و البته جریانی خودشان برسند و هم این دست موضوعات را به‌طورى عادی نشر بدهند. بعد از ماجرای تجاوز به نوجوان ۱۲ ساله شوشتری توسط یک مجرم سابقه‌دار که البته بلافاصله هم با دستگیری او همراه شد، مسیح علی‌نژاد با تأخیری چند روزه و

عکسبرداری از فیلم منتشر شده از این اقدام زشت، آن تصاویر را در صفحه خود منتشر کرد تا به همان مقاصدی که بالاتر عنوان شد، برسد. بعد از انتشار این تصاویر، سواى برخورد‌های هیجانی با آن، نکته قابل تامل اقدام غیرقانونی او در انتشار است. اینستاگرام پست مسیح علی‌نژاد که همراه با تصاویر آن پسر نوجوان و فرد متجاوز بوده است را پاک کرد، اما بنابر قانون موجود در همان کشورهای لیبرالی این اقدام کافی نیست. علی‌علاوه، کارشناس سیاسی و تحلیلگر سابق بی.بی.سی در همین ارتباط و در واکنش به این اقدام مسیح علی‌نژاد در صفحه شخصی خود نوشت: «مسیح علی‌نژاد عکس‌های تجاوز به کودکان شوشتر را در فضای عمومی منتشر کرده. حتی از منظر لیبرالی چنین کاری هم غیرقانونی و هم مغایر اخلاق اجتماعی است. کودکان حقوق مطلقه‌ای دارند که در اختیار خانواده والدین آنها هم

برخورد دوگانه با کاسب‌های اینستاگرامی

## دامنه سلايق اينستاگرام، از علينژاد تا داعش

نیست، بنابراین حتی رضایت خانواده برای نشر این تصاویر کفایت نمی‌کرد. حتی براساس نگاه لیبرال، این کودکان در زمان رسیدن به سن قانونی یعنی هجده‌سالگی، دیگر انتخاب و قدرتی در تصویری که جامعه از آنها می‌سازد، ندارند و با انتشار این تصاویر و اخبار، تصویر عمومی از آنها برای ابد تغییر یافته است؛ آن‌هم نه در ابعاد محلی شوشتر بلکه در ابعاد ۸۰ میلیونی کشوری! علی‌نژاد اگر چنین عکس‌هایی را از کودکان بریتانیایی-آمریکایی منتشر می‌کرد، تمام اکانت‌های مجازی‌اش بلافاصله بسته و توسط پلیس بازداشت و تا مود دادگاه از روزنامه‌نگاری منع می‌شد و رسانه‌ها به‌صورت خودکار و براساس عرف از تریبون دادن به او خودداری می‌کردند، اما انگار کودکان و جامعه ایرانی ینیم هستند. علی‌نژاد با شرکت اینستاگرام روابط نزدیکی دارد و دو سال پیش از ملاقاتش با معاون اینستاگرام نوشت. اینستاگرام هم تنها به حذف این

دیدار مسیح علی‌نژاد با مدیر اجرایی اینستاگرام

چند نکته در مورد ماجرای تجاوز به کودکان شوشتری

# آوانس قانونی به متجاوزان

اغلب خانواده‌های کودکانی که مورد آزار قرار گرفته‌اند هم ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرتر از سطح متوسط اجتماع هستند و این فاصله‌میان آزارگر و آزاردیده توان مقابله و شکایت را از قربانی می‌گیرد. بسیاری از این خانواده‌های ساکن محلات حاشیه‌نشین از مهاجران غیرقانونی هستند که به هنگام بزه‌دیدی نگران‌اند با مراجعه به مراکز انتظامی یا قضایی رد مرز شوند. برخی دیگر نیز از ایرانیان فاقد اوراق هویت‌اند که به‌هنگام مراجعه به مراجع انتظامی و طرح شکایت، با مشکل اثبات نسبت خود به کودکی که قصد شکایت از آزار دیدن او را دارند مواجه‌اند و من خود یکی از این موارد را به چشم خود شاهد بوده‌ام. زنی که به عنوان مادر یک دخترپچه آزاردیده در یک کلاترری قصد طرح شکایت داشت، نتوانست پاسخی به این سوال افسر نگهبان بدهد که «من از کجا بدونم تو مادرشی؟». گاه نیز اعتیاد و حال نزار والدین مانع است که در پی احقاق حق کودکان‌شان برآیند.

بعضی اوقات نیز خانواده‌نه اعتیاددار، نه مهاجر غیر قانونی است و نه هیچ معضل دیگری به جز فقر و حاشیه‌نشینی دارد؛ اما همین فقر و حاشیه‌نشینی باعث می‌شود خود را با متجاوز در نیاندازد. شاهد موردی بوده‌ام که خانواده‌ای به خاطر تهدیدهای موادفروش محله که خواستگار دخترشان بودومی خواست آن‌ها را وادار به تسلیم دخترک کند، ترجیح دادند شیه‌آنه آن خانه را تارک کنند تا این که سراغ کلاترری و دادسرا بروند. چرا؟ نداشتن امنیت در صورت طرح شکایت. یکی از مشکلات در چنین وضعیتی، بار اثبات ماجراست. در همین ماجرای کودک‌آزار شوشتری، اگر جانی حماقت نمی‌کرد و تصاویر تجاوز را منتشر نمی‌کرد، فکر می‌کنید چقدر امکان داشت تجاوز احراز شود؟ برای آن که امکان تشخص متجاوز وجود داشته باشد، کودک آزاردیده باید بلافاصله بعد از وقوع تجاوز بدون این که به دستشویی برود یا خودش را تمیز کند با همان لباس‌ها به پزشکی قانونی برده شود. زمانی که کودک آموزش ندیده است تابداند در این مواقع چه باید کند و چیزی به پدر و مادرش نمی‌گوید و زمان سپری می‌شود، دیگر



رضا مشتاقی
روزنامه‌نگار

برای تحلیل ماجرای تجاوز به کودکان شوشتری، فعال‌جریثاتی از منابع معتبر منتشر نشده‌است. بیشتر اطلاعات از سوی منابعی است که اقدام غیرحرفه‌ای و غیراخلاقی انتشار تصاویر تجاوز به کودکان از سوی آن‌ها ما را متقاعد نمی‌کند که به‌دیگر گفته‌های‌شان هم اعتباری ندهیم تا زمانی که از سوی منابع موثق خبری یا قضایی تایید شوند. در حال حاضر از سوابق متهم، ویژگی‌های بزه‌دیدگان، شرایط محیط وقوع بزه و فرآیند طی شده تا دستگیری متهمین جز مطالبی مجمل در اختیار نداریم و نمی‌توان با تحلیلی صحیح به ریشه‌یابی یا آسیب‌شناسی موضوع پرداخت. به ناگزیر، تکیه‌گاه این یادداشت اطلاعات مختصری از این پرونده که توسط ناچا منتشر شده و دیگر واقعیت‌های جامعه و نظام حقوقی ما است که وقوع این جنایت باعث می‌شود دیگر بار آن‌ها را در مرکز توجه قرار دهیم.

آن‌چه در تمامی اخبار منتشر شده مشترکاً وجود دارد، سابقه‌دار بودن متهم است. از نحوه اجرای شیرانه و گروهی این جنایت و فیلم‌برداری از آن و سپس تهدید قربانیان برای عدم افشای این بزه نیز بر می‌آید که با مجرمی حرفه‌ای طرف هستنیم. فعلا مشخص نیست که آیا سوابق مجرم نیز در زمینه کودک‌آزاری یا جرایم جنسی بوده است یا خیر؛ اما صرف سابقه‌دار بودن وی ما را به یک واقعیت مشترک میان بسیاری از پرونده‌های کودک‌آزاری در مناطق حاشیه‌نشین و فقرزده می‌رساند. در این مناطق، به دلیل شیوع ناهنجاری‌ها و برهکاری، در موارد متعددی در تحلیل شخصیت کودک‌آزار به ویژگی «افتدار» وی در محله می‌رسیم. مجرم مقتدری که از ارادل و ابواب مشهور منطقه یا از مواد فروشان قدرتمند محله است ارتکاب به کودک‌آزاری می‌کند و تا حدودی مطمئن است که از تعقیب و مجازات مصون می‌ماند. چرا؟ چون علاوه بر اقتدار چنین مجرمانی در این محلات،

# جامعه

پست خاص اقدام کرد، نه بستن اکانتش. منوتو به جای نقد، تریبون علی‌نژاد برای نشر بیشتر این خبر شده و بی‌بی‌سی هم سکوت مطلق کرده است. ده‌ها هزار کاربر فیک سسودی هم به کمک علی‌نژاد آمده‌اند و مشغول بازنشر خبر هستند.»

البته این پست، به‌رغم آنکه صرفاً نقدی را به یک بی‌قانونی در فضای اینستاگرام مطرح می‌کرد، پاک شد. حالا می‌توان از این اتفاق نتایجی گرفت: اول اینکه، برخورد کند و البته ساده و سطحی با این اقدام شنیع مسیح علی‌نژاد هم کاسگی او با جریانات رسانه‌ای معاند و گردانندگان شبکه‌های مجازی از جمله اینستاگرام را مشخص‌تر از سابق نشان می‌دهد. دوم، حذف پست علی‌علیزاده در انتقاد از رفتار علی‌نژاد را هم می‌توان نوعی کنش دیکتاتوری رسانه‌ای دانست که تاب انتقاد یک کاربر به کاربری دیگر در ارتباط با رفتار غیرقانونی‌اش را ندارد. (البته این دفعه اولی نیست که اینستاگرام این چنین گزینشی و البته مغرضانه با کاربران برخورد می‌کند و بارها مشاهده‌شده پست‌های مربوط به حزب‌الله لبنان، سخنان سیدحسن نصرالله و حتی تبریک کاربران به مناسبت تولد رهبر حزب‌الله لبنان را پاک کرده و درمقابل به صفحات مدافع اقدامات داعش در سوریه و نقاط مختلف اجازه فعالیت داده است.) سوم، افعال سیاست‌گزاران و مسئولان داخلی در این فضای آلوده مجازی است که با کنش‌های غیرمنطقی بیش از آنکه فضای مجازی را تحت کنترل در آورده باشند، باعث برهم خوردگی و البته افسارگسیختگی در نشر اطلاعات و اخبار بین مردم شده‌اند.



ایسن یکی از مختصات خاص کودک‌آزاری‌های محلات حاشیه‌نشین و سکونت‌گاه‌های فقیرنشین است که باید برای آن چاره‌اندیشی کرد. چاره‌ای که در قوانین فعلی و حتی در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان که اخیراً تصویب شد و در انتظار تایید شورای نگهبان برای اجرایی شدن است نیز یافت نمی‌شود. البته اگر این لایحه امروز اجرایی بود، می‌شد مستند به بند ۸ ماده ۱۰ آن، کسانی که تصاویر منجرکننده این جنایت را منتشر کرده‌اند مجازات کرد تا شاید برای صید مخاطب و لایک و فبوی، دیگر دست به هر کاری نزنند. هنوز هم البته دیر نشده است. امیدوارم تا زمانی که پرونده این کودکان معصوم در جریان است، این لایحه مورد تایید قرار گیرد و اجرایی شود تا قاضی بتواند مستند به ماده ۴۲ آن کودکان آزاردیده را جهت اقدامات حمایتی به سازمان‌ها و نهادهای دولتی یا غیردولتی فعال در رابطه با حقوق کودکان معرفی کند تا مورد حمایت‌های روان درمانی و آموزشی قرار گیرند. برای ما اغلب پرونده‌های کودک‌آزاری با مجازات مجرم پایان می‌پذیرند و دیگر کودکان زخم‌خورده و خانواده‌های‌شان رافراموش می‌کنیم. امیدوارم با تایید هر چه زودتر این لایحه، این کودکان به صورت الزام‌آور و با حکم قضایی که از اجرای آن مطمئن باشیم تحت حمایت و درمان قرار بگیرند تا روزی که با اصلاح دیگر زیرساخت‌ها، دیگر هیچ کودکی آزار نبیند و هیچ مجرم و قیقی اقتدار پوشالی خود را ابزار چنین جنایتی نکند.

قصاص علیه اسیدپاش سالیانی در تیر اثر اصلی اخبار و حوادث بود تجربه مشابهی دارد: «مزا حمت‌های او روز به روز بیشتر می‌شد. تا این که یک روز به او گفتم دیگر مزاحم نشود ولی او باز مزاحم می‌شد. رفتیم کلاترری و شکایت کردیم. کلاترری گفتند «چون هنوز جرمی واقع نشده، ما نمی‌توانیم او را دستگیر کنیم، برو هر وقت جرمی کرد بیا». گفتم «پس بروم وقتی مرا کشت بیایم شکایت کنم!» گفتند «بلی، خانواده‌ات شکایت می‌کنند» و برگشتم خانه. مجدداً مزاحمت کرد. به او جواب آخر را دادم، او گفت «اول تو را می‌کشم». گفتم «برو، مگر شهر هرت است؟». باز او گفت «نه، تو را نمی‌کشم، کاری می‌کنم که خود مرا ببرند بالای دار و فورا تمام کنم، ولی تو را کاری می‌کنم که یک عمر بدبخت شوی».

هر دوی این گزارش‌ها در کتاب‌های نقدپوررسی آرای قضایی که پژوهشگاه قوه قضائیه منتشر کرده است موجود است.

باید به این نکته توجه کنيد که هر دوی این موارد ساکنان نقاط متوسط و برخوردار شهر بوده‌اند. در مناطق حاشیه‌نشین که حجم جرائم و درگیری نیروهای پلیس بسیار بیشتر از نقاط دیگر است، احتمال این که مواردی مثل تهدید یا کودک‌آزاری‌های خفیف یا دیگر علائم خطر مورد توجه قرار نگیرند بالاتر است. محیط و ساکنینی با این شرایط، بهشت یک مجرم مقتدر و شناخته‌شده برای عملی کردن مقاصدش را می‌سازند.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب نویسن نینی فرزند محسن به شماره شناسنامه ۱۵۰ صادره بوشهر در مقطع کارشناسی ارشد رشته روانشناسی شخصیت صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۱۴۶۳/۱۱۵۰۹۶۹۶۱ مقفود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج، رجایی شهر، انتهای بلوار مودن ارسال نماید.



مدرک فارغ التحصیلی اینجانب امین گلزار فرزند علی به شماره شناسنامه ۱۳۹۵۶۲/۱۸۱۰ صادره آبادان در مقطع کاراندی پیوسته رشته نقشه کشی معماری صادره از واحد دانشگاهی (سما) کرج با شماره ۹۴/۷/۳۰۲۹ مقفود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج، رجایی شهر، انتهای بلوار مودن ارسال نماید.



مدرک فارغ التحصیلی اینجانب سیده‌فاطمه طباطبایی فرزند سیداصغر به شماره شناسنامه ۹۴۴۶۰۰۹۹۷۴۴۶ صادره شهریار در مقطع کارشناسی پیوسته رشته الهیات و معارف اسلامی – فقه و مبانی حقوق اسلامی صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۱۳۹۳۱۱۵۰۰۵۵۵ مقفود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج، رجایی شهر، انتهای بلوار مودن ارسال نماید.

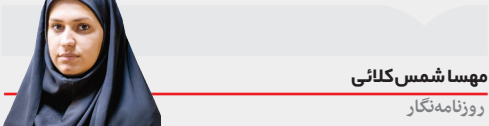


گواهی موقت پایان تحصیلات اینجانب مهدی موسی‌علی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۱۳۵ صادره از بافت در مقطع کارشناسی رشته روانشناسی صادره از رزند دانشگاه آزاد اسلامی واحد رزند کرمان مقفود گردیده و از درجه اعتباراسقط می‌باشد.

### یادداشت

### به بهانه حضور مجدد

### برخی رسانه‌ها در تلگرام



مهسا شمس‌کلانی
روزنامه‌نگار

می‌خواهم کمی درمورد فیلترینگ و اینکه آیا فیلترینگ تلگرام در ایران کار درستی بوده یا نه، بی‌پرده صحبت کنم. یکی از مسائل مهم برای کاربران حضور در تلگرام بود که باید تذکرات این مساله روشن می‌شد که درنهایت تصمیم به مسدودسازی این پیام‌رسان گرفته شد.

اگر بخواهیم نتیجه کار مسدودسازی را مورد بررسی قرار دهیم، به جز مساله مهم خروج اطلاعات از کشور به واسطه حضور سرویس خارجی، برآیند فرآیند طی شده و مجموعه اقداماتی که برای انسداد تلگرام انجام‌شده، بسیار بهتر از عدم اقدام برای فیلتر بوده است؛ چرا که درحال حاضر بخشی از دغدغه‌ها از جمله اشراف اطلاعات و پالایش محتوا با حضور هاتگرام و تلگرام‌طلایی مرتفع شده است و به همین خاطر برخی نهادهای ارتشی هم همراهی خوبی با تلگرام‌طلایی و هاتگرام کرده‌اند.

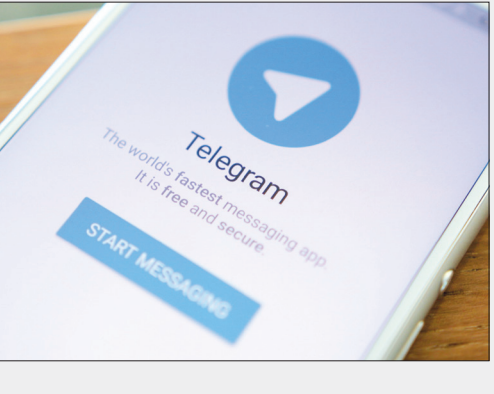
مساله مهم این است که آیا هزینه‌ای که شده، به دستاوردهای آن می‌ارزد؟ به‌قول اقتصادی‌ها هزینه- فایده (کاست‌بنفیت) می‌ارزد؟ هزینه حیثیتی که سیستم متحمل شد، هزینه‌هایی که بابت خروج کاربران از تلگرام و برگشت‌شان به‌واسطه هاتگرام و تلگرام‌طلایی شد، از دست رفتن ظرفیت‌های خوبی که در تلگرام ایجاد شده بود... حالا با هزینه‌های معنوی و مادی بیشتر، شاید دیگر به دست نیاید.

قطعا رسیدن به وضعیت فعلی (با دستاوردهایش) با پرداخت هزینه‌های کثری میسر بود؛ چرا که اگر قرار بود مردم از طریق هاتگرام یا تلگرام‌طلایی به تلگرام متصل شوند، با اقدامات فنی و به‌دور از سروصدای سیاسی و اجتماعی، هدایت مردم به هاتگرام یا تلگرام‌طلایی امکان‌پذیر بود.

علاوه‌بر این هزینه زیاد، هنوز یک چالش مهم که به دلیل حضور کاربران در هاتگرام و تلگرام‌طلایی حل نشده، موضوع حکمرانی داده و خروج اطلاعات از کشور است. مسئولان تکلیف خود را روشن کنند که صرف حضور مردم در یک کلاینت و داشتن اشراف به اطلاعات و امکان پالایش محتوا، آیا دغدغه و ایستگی به سرویس خارجی، اشراف اغیار به اطلاعات ملی کشور و امکان حکمرانی توسط اغیار را مرتفع می‌کند یا خیر؟

برای رعایت انصاف شاید این نکته ذکر شود که این نقدها، نقدهای پس از اقدام است و چون تجربه چنین اقدامی از قبل وجود نداشته، قبل از اقدام، قابل پیش‌بینی نبوده است. پس توقع برنامهریزی و پیش‌بینی همه این اتفاقات قبل از عملیات، تکلیف مالایطاق بوده است. شاید نتوان در رد یا اثبات این حرف، یک دلیل اثباتی ارائه کرد اما این نکته قابل تامل است که دلایل و نگرانی‌هایی که باعث مماشات یا هاتگرام یا تلگرام‌طلایی به‌رغم حل‌نشدن برخی چالش‌ها شده، قبل از فیلتر تلگرام هم بوده است. به عبارت دیگر، به فرض صحت برخی دغدغه‌ها که از طرف برخی مسئولان ذکر می‌شود از جمله نداشتن جایگزین مناسب و عدم استقبال کاربران، باید گفت این دغدغه‌ها قبل از فیلتر تلگرام هم موجود بود پس با این رویکرد نباید بحث فیلتر تلگرام مطرح می‌شد و اگر گفته شود فیلتر تلگرام دستاوردهایی داشته، همان طور که ذکر شد به هزینه‌فایده فیلتر تلگرام نمی‌ارزد.

همانند سال‌ها قبل که مردم از وایبر به تلگرام سوق داده شدند و احدی هم شک نکرد این تغییرات شاید طراحی شده بود، می‌شد مردم را بی‌سروصدا از تلگرام به سمت تلگرام‌طلایی و هاتگرام سوق داد و این هزینه‌هایی که برای فیلترینگ و پیام‌رسان‌های داخلی صرف شد را به همین دو کلاینت اختصاص دهند تا هم سرعت بیشتری داشته باشند و هم بتوانند کم‌کم سرورهای خود را از تلگرام جدا کنند.



### آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده (نوبت دوم)

**شرکت تعاونی مسکن کارکنان موسسه تحقیقات دامپروری کشور** بدین‌وسیله به اطلاع کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی مذکور می‌رساند با توجه به اصلاحات عمل آمده در قانون بخش تعاون جمهوری اسلامی ایران مجمع عمومی فوق‌العاده (نوبت دوم) این شرکت راس ساعت ۸/۳۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۹۷/۱۰/۹/۱ در نشانی موسسه تحقیقات علوم دامی کشور واقع در خیابان شهید بهشتی، بعد از سه‌راه رجایی‌سهر، روبروی دهقان، ویلای اول برگزار می‌گردد. از کلیه اعضای محترم دعوت می‌شود تا در جلسه مذکور حضور بهم رسانند. یادآوری می‌شود:

۱- در صورتی که حضور عضوی در مجمع میسر نباشد می‌تواند حق حضور و اعمال رای خود را به مدرک مود عضویت در تعاونی و کارت شناسایی معتبر در محل دفتر شرکت تعاونی حاضر و پس از احراز هویت طرفین، عضویت متقاضی و اهلیت نماینده، برگه نمایندگی مربوط توسط نماینده از این مجمع با حضور حداقل نصف به‌علاوه یک کل اعضا، رسمیت می‌یابد و تصمیماتی که در این مجمع اتخاذ می‌شود برای کلیه اعضا (اعم از غایب و مخالف) نافذ و معتبر خواهد بود. ۲- این مجمع با حضور حداقل نصف به‌علاوه یک کل اعضا، رسمیت می‌یابد و تصمیماتی که دستور جلسه ۱- طرح و تصویب اصلاح و تغییرات ماده ۲۱ اساسنامه (تغییرات تعداد اعضای اصلی و علی‌البدل هیات‌مدیره)

هیات‌مدیره

## آگهی مزایده

دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفادشت در نظر دارد نسبت به واگذاری محل بوفه، انتشارات و پارکینگ دانشجویی از طریق برگزاری مزایده عمومی اقدام نماید. بدین منظور از شرکت‌ها و اشخاص واجد شرایط (دارای سابقه کار مرتبط با فعالیت) دعوت می‌گردد جهت کسب اطلاعات لازم و دریافت اسناد مزایده با در دست داشتن معرفی‌نامه و فیش واریزی به مبلغ ۳۰۰/۰۰۰ ریال به شماره حساب ۰۰۳/۲۱۶۴۸۸۷۲۴ نزد بانک ملی شعبه صفادشت به آدرس صفادشت- میدان نبی اکرم(ص)- بلوار الغدير- امور حقوقی واقع در طبقه دوم ساختمان شماره ۲ حضور یابند. ضمناً دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادات مختار است. هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد. سپرده شرکت در مزایده ۲۵۰/۰۰۰ ریال می‌باشد. سایر جزئیات در اسناد مزایده ذکر دیده‌است. حداکثر زمان فروش و تحویل اسناد: ۱۰ روز کاری از تاریخ درج آگهی

تلفن تماس: ۰۲۱۶۵۴۳۵۱۶ داخلی ۱۰۷۲ (امور حقوقی)